



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق
علیه
صلاوة
وسلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

حضرت امام حسین علیه السلام

و اصلاحات اجتماعی

عباسعلی سلطان زاده



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حضرت امام حسین علیه السلام و اصلاحات اجتماعی

نویسنده:

عباسعلی سلطان زاده

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	حضرت امام حسین علیه السلام و اصلاحات اجتماعی
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۸	معنای صلاح
۱۰	اهمیت اصلاح جامعه
۱۱	جایگاه اصلاح طلبی در دیدگاه و نهضت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام
۱۳	ضرورت امر به معروف و نهی از منکر در امر اصلاحات اجتماعی
۱۴	عنایت ویژه سیدالشهداء به امر به معروف و نهی از منکر
۱۸	ملک الشعراء صبوری
۱۸	علت تأکید امام حسین علیه السلام بر امر به معروف و نهی از منکر
۱۹	لزوم روش مداری برای رسیدن به اصلاحات واقعی
۱۹	رفع شبهه
۲۱	شواهدی از بیان های والای سیدالشهداء پیرامون اصلاحات اجتماعی
۲۳	تذکر مهم
۲۵	ریشه دار بودن اصلاح طلبی حضرت امام حسین علیه السلام
۳۰	درباره مرکز

مشخصات کتاب

عنوان: حضرت امام حسین (ع) و اصلاحات اجتماعی

پدیدآورندگان: امام سوم حسین بن علی (ع) (توصیف گر)

عباسعلی سلطان زاده (پدیدآور)

ناشر: عباسعلی سلطان زاده

نوع: متن

جنس: مقاله

الکترونیکی

زبان: فارسی

توصیفگر: افعال امام حسین (ع)

امر به معروف و نهی از منکر

اصلاحات اجتماعی

مقدمه

چنانچه اهل معرفت می فرمایند: فطرت از نقص و عیب تنفر دارد و به کمال مطلق علاقه مند است و هر کس به فطرتش رجوع کند در می یابد که قلبش به هر چه متوجه می شود، اگر مرتبه بالاتری بیابد، از اولی منصرف می گردد و به کامل تر روی می آورد. بر این اساس عدالت، سخاوت، شجاعت و تمامی صفات کمال مورد علاقه آدمی است؛ و نه فقط خود را وابسته به کمال مطلق می داند و به دنبال اوست بلکه می خواهد خود را متصف به کمالات ساخته و خود را صاحب کمالات بداند؛ در طول تاریخ نیز انسان های سفاک و ستم گر و به دور از صفات متعالیه انسانی، خود را عادل و عدالت خواه و دارای کمالات و صفات متعالیه دانسته اند. حتی گاهی چنان می نمایند که امر بر دیگران مشتبه گشته و با گذشت زمان، صاحب کمال و صفات شایسته شناخته می گردند؛ هم چون انوشیروان فرزند قباد، پادشاه ساسانی که در تاریخ به عادل و عدالت گستر معروف که گشته است. (رهبر کبیر انقلاب بدین مطلب اشاره فرموده است.) با توجه به این مطلب که گذشت، به موضوع اصلاحات، اصلاح طلبی و خصوصیات یک اصلاح طلب واقعی و نقش اصلاحات اجتماعی در نهضت حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) می پردازیم: اصلاح طلبی که صالح بودن و داشتن شایستگی را می طلبد، در لفظ سهل و آسان و در معنا و

دلالت بسیار گران قدر و در

مقامِ عملِ کاری بس مشکل و طاقت فرساست. لذا اگر در معنای اصلاحات و اصلاح طلبی دقت گردد و در اطراف مسئله خوب نظر شود، آدمی فریب مدعیانِ دروغین اصلاح طلبی را نمی خورد و در می یابد که مُصلِح باید دارای ویژگی های انسانی و متعالی باشد. و جز انسانِ مرتبط با کمال مطلق و معصوم از رجس و خلل و معدود مردمانِ برگزیده الهی و جهاد کننده با نفس، کسی نمی تواند چنین ادعایی را بنماید. با بررسی این مطلب، به اهمیت اصلاحات و نقشِ آن در نهضت حضرت سیدالشهدا (ع) خواهیم پرداخت.

معنای صلاح

در مفردات راغب آمده است: «الصَّلاحُ ضِدُّ الفسادِ وهما مختَصَّانِ فی اکثر الاستعمال بالافعال و قُوبِلَ فی القرآن تارةً بالفَسادِ و تارةً بالسَّیِّئَةِ». علامه طباطبایی؛ پس از نقلِ معنای صلاح، بنا بر قولِ راغب «که مقابل فساد است» می فرماید: «الفساد الذی هو تَغییرُ الشَّیْءِ عن مقتضی طبعه الاصلی، فصلاحه کونه علی مقتضی الطبع الاصلی فیترتَّبُ علیه من الخیر والنفع ما من شأنه ان یترتَّبُ علیه...» بنا بر این نقل ها، صِلاح مقابل یا ضِدُّ فسادو به معنای دگرگون شدن است از آنچه طبع و سرشت اصلی چیزی اقتضا می کند. پس صلاحِ آن چیز، بودن بر مقتضای طبع و سرشت اصلی است. در این صورت، خیر و نفعی که آن چیز شأن و منزلتش را داراست، بر آن مترتَّب می گردد. سپس علامه طباطبایی (ره) پس از تقسیم صلاح ذات و صلاح عمل، چنین نتیجه می گیرد: «فصلاح الذات کونها تامّة الاستعداد لقبول الرحمة الالهیة و افاضه کلّ خیر و سعادة من شأنها ان تتلبّس به من غیر ان یقرنها ما یفسدها من اعتقادِ باطل او عملِ سیّی». پس صلاح ذاتی و لیاقت و شایستگی برای قبول رحمت الهی

لازم است، تا از کاستی‌ها به دور بوده و هر خیر و سعادت را جلب کند، بی آن که قرین باور باطل یا عمل ناشایستی گردد و آن را فاسد سازد. با توجه به این بیان‌ها، اهمیت صلاحیت داشتن برای مقابله با فساد و حرکت در جهت صلاح روشن می‌گردد، و همان‌گونه که فقط عادل می‌داند عدالت گستر شود، برای اصلاح طلبی نیز باید به صالح رجوع کرد. و گرنه چنین باشد، چنان که در طول تاریخ بسیار رخ داده است، فاسدان و مفسدان، مدعی صلح و صلاح و اصلاح طلبی می‌گردند؛ با آن که: ذات نا یافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش تذکر این مسئله لازم است که در مجمع البحرین در معنای «صالح» آمده: «هو الذی یؤدی فرائض الله و حقوق الناس». در این جا وظیفه بزرگ محققان و مبلغان دینی، در آگاه ساختن مردم روشن می‌گردد تا با بررسی تمامی ابعاد مسئله (به ویژه مسائلی که مورد سوء استفاده فرصت طلبان قرار می‌گیرد) مدعیان دروغین رسوا گشته و سره از ناسره مشخص گردد، و این ممکن نیست مگر با روی آوردن به ثقلین. (و گرنه هر قدمی ناتمام و هر تلاشی به ناکامی می‌انجامد). آری! خداوند متعال چه شیوا و منطقی در مقابل منافقان مدعی اصلاح طلبی پاسخ می‌فرماید. و مؤمنان را از این خطر نا پیدا آگاه می‌فرماید: (وَ مِنَ النَّاسِ یَقُولُ ءَامَنَّا بِاللّٰهِ وَ بِالْیَوْمِ الْاٰخِرِ وَ مَا هُمْ بِمُؤْمِنِیْنَ... وَ اِذَا قِیلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِی الْاَرْضِ قَالُوْا اِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُوْنَ. اَلَا اِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُوْنَ وَلٰكِنْ لَّا یَشْعُرُوْنَ). شیخ طبرسی (ره) در نحوه فساد منافقان، چند نقل را بیان می‌فرماید: انجام معاصی و بازداشتن مردم از ایمان، یا تمایل و «مساعت» به کفار و

یا تحریف کتاب «قرآن» و تغییر کیش و آیین. سپس در مورد ادعای منافقان، مبنی بر مُصلح بودن، دو احتمال را بیان می کند: ۱. آنچه را «دیگران» فساد می نامند، در نزد «منافقان» صلاح است؛ چون با انجام آن از هر دو گروه (مؤمن و کافر) در سلامت می مانند. ۲. انجام چنین مفاسدی «مذکور در فوق» را انکار می کنند (که همین نفاق است). سپس خدای متعال این ادعا را تکذیب می فرماید که: بدانید این ها (منافقان) که فساد را صلاح می پندارند، مُفسد و تبهکارند و نمی دانند که آنچه انجام می دهند، فساد است. و این خط - نفاق و اصلاح طلبی آنان، پس از رحلت رسول و آمین و حی شدت یافت و تا کنون نیز ادامه داشته، و تا ظهور مُصلح جهانی و ویران کننده بنیادهای شرک و نفاق، جریان خواهد داشت: «أَيْنَ الْمُنْتَضِرُ لِإِقَامَةِ الْأَمْتِ وَالْعَوْجِ... أَيْنَ الْمُدَّخِرُ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ... أَيْنَ هَادِمِ أَيْتِيهِ الشِّرْكَ وَالنِّفَاقِ...».

اهمیت اصلاح جامعه

همان گونه که در معنای صالح، از مجمع البحرين آمد که صالح کسی است که فرائض و واجبات الهی و حقوق مردم را به انجام رساند و به بیان علامه طباطبایی - طاب ثراه - صلاح هر چیز به آن است که هر چیزی بر مقتضای طبع و سرشت اصلی اش باشد، تا خیر و صلاح (قابل شأنش) بر آن مترتب گردد، ضرورت اصلاح امور جامعه و اصلاحات اجتماعی ظاهر می گردد، البته نه فقط صلاح و اصلاح تمامی امور تهدید پذیر از فساد و تباهی را در بر می گیرد و موضوعی بدین وسعت دارد، بلکه از نظراهمیت و ارزش، هم سنگ و هم طرازِ عدل و عدالت است؛ زیرا، اولاً عدالت در سایه اصلاح امور، توسط انسانِ صالح می تواند برقرار گردد، ولی

تا صالحی مُصْلِح نباشد، عدالت نیز بی معنا خواهد بود؛ ثانیاً، اجرای عدالت نیز، برای اصلاح اجتماعی و جامعه انسانی است. علامه طباطبایی؛ در ذیل آیه شریفه: (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ...،) این موارد را به ترتیب از مهم ترین چیزهایی می داند که جامعه انسانی بدان ها استوار است؛ و در دلیل این ادعا می فرماید: «لِما أن صَلاحَ المجتمع العام» اهم مایتغیه الاسلام فی تعالیمه الْمُصْلِحَه؛ برای این که صَلاح اجتماع مردمی، مهم ترین چیزی است که اسلام در تعالیم اصلاح طلبانه اش بدان توجّه دارد.

جایگاه اصلاح طلبی در دیدگاه و نهضت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام

معمولاً نامه ها و مکتوبات و به ویژه وصیّت نامه اشخاص بزرگ سرشار از پند و موعظه و دربردارنده مهم ترین پیام ها و سفارش هاست. حال اگر این نامه یا وصیّت نامه از سوی برگزیدگان الهی باشد، جز مقاصد و هدف های والای الهی (که برخاسته از نیّت های پاک و الهی آنان است) چیزی را در بر ندارد و درباره کرامت انسانی و تعالی و سعادت ابدی اوست. پیشوای بزرگ ترین و برترین نهضت ها نیز وصیّت نامه و سفارشی دارند که در طول تاریخ مورد توجه و سرمشق تمامی پاک اندیشان و آزادمنشان الهی قرار گرفته است. همان گونه که بارها خواننده و شنیده ایم، پس از آن که معاویه، یزید را به سلطنت گمارد و ارکان اسلام و معنویّت و صلاح امور متزلزل شد و حضرت اباعبدالله الحسین (ع) از بیعت با این جرثومه فساد دوری کرد، آن حضرت (ع) به هنگام خروج از مدینه، هدف از قیام و نهضت مقدّسشان را برای جهانیان در وصیّت نامه ای به برادرشان محمد بن حنفیه، می فرمایند: حضرت امام حسین (ع) پس از آوردن نام الهی و شهادتین و اقرار به حق بودن بهشت، جهنّم و قیامت و این که خداوند،

هر کسی را در قبر است بر می انگیزاند، قصدشان را از خروج و قیام بیان می فرمایند. (و آن حضرت (ع) پس از بیان عقاید حقّه و معرفت خویش، عَمَلِ خَوِيشِ رَا طَبَقَ اِيْنِ اِعْتِقَادَاتِ بِهٖ مَنْصَهٗ ظَهْوَرِ مِي رَسَانِنْد) که: «... وَ اَنْتِي لَمْ اَخْرُجْ اَشْتَرًا وَلَا يَبْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَاِنَّمَا خَرَجْتَ لِطَلَبِ الْاَصْلَاحِ فِي اُمَّهٖ جَدِّي، اُرِيْدُ اَنْ اَمْرًا بِالْمَعْرُوفِ وَ اَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اَسِيْرُ بَسِيْرِهِ حَيَّدِي وَ اَبِي عَلِيٍّ بِنِ ابِي طَالِبٍ (ع)»؛ و به درستی من از روی خودخواهی، خوش گذرانی، فساد و ستم گری خروج نکردم، و همانا برای اصلاح در (مورد) امت جدّم خروج کردم. می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم. و سیره و روشم، سیره و روش جدّم و پدرم علی بن ابی طالب (ع) است.» در این که، چرا آن حضرت در آغاز وصیت عقاید حقّه را بیان می کنند، سخن بسیار است و حکمت هایی را برای آن برشمرده اند. یکی از حکمت ها چنین است که: آن حضرت می دانستند، دشمن از حربه تکفیر استفاده خواهد کرد و چه بسا بر اثر تبلیغات دشمن، امر بر آیندگان نیز مشتبه گردد. اما مطلب مهم تر، چنان است که حضرت (ع) هدف مقدّس خویش را از این قیام بیان می فرمایند: اوّل آن که هر گونه شایعه و تهمت و افترای دشمن مبنی بر این که این خروج، حرکتی دنیوی و برای هوای نفس و یا برای ایجاد اختلاف و ناامنی میان امت اسلامی و یا برای خشونت طلبی است، خنثی شود؛ دوم، این خروج و قیام مقدّس برای رفع فساد و اصلاح طلبی در میان امت جدّشان است، و به فرمایش علامه شهید مرتضی مطهری (ره): «دنیا بداند که حسین (ع) جز اصلاح

امت، هدفی نداشت.» سومین مطلب این است که اصلاح طلبی در جامعه اسلامی به صورت دو امر مهم جلوه می نماید که حضرت سید الشهداء (ع) بدان اشاره فرموده اند: الف) امر به معروف و نهی از منکر؛ ب) سیره نبوی و علوی را روش عملی خویش قرار دادن. پس در حقیقت، هدف مقدّسِ والا و بی نظیری که سعادت دنیا و آخرت امت مسلمان را تأمین می نماید و رضایت الهی در آن است، همانا اصلاح طلبی در جامعه اسلامی، است آن امام معصوم (ع) و آگاه به امور، بدان واقف بوده و نهضت را بر اساس آن آغاز کرده اند.

ضرورت امر به معروف و نهی از منکر در امر اصلاحات اجتماعی

هر چند معنای لغوی «صلاح» و «اصلاح» معلوم گشت، و مراد از «صلاح» و «فساد» به نقل از علامه طباطبایی؛ به دست آمد، اما مصداق واقعی «اصلاح» همان طور که از وصیّت و سفارش حضرت اباعبدالله الحسین (ع) معلوم گشت) دو امر است: ۱) امر به معروف و نهی از منکر؛ ۲) سیره عملی پیامبر اسلام (ص) و امیر مؤمنان (ع) را به کار بستند. اگر امر به معروف و نهی از منکر از جامعه رخت بر بندد، فساد و تغییر امور امری عادی خواهد شد. و جامعه روی صلاح را نخواهد دید. استاد شهید مرتضی مطهری درباره اهمیت موضوع امر به معروف و نهی از منکر در نهضت اباعبدالله الحسین (ع) می فرماید: «اگر دعوتی از امام (ع) نمی شد، حسین بن علی (ع) به موجب قانونِ امر به معروف و نهی از منکر نهضت می کرد. اگر هم تقاضای بیعت (با یزید) از او نمی کردند، باز هم ساکت نمی نشست.» بنابراین، مسئله مهم و اساسی در نهضت حسینی، فقط اصلاح اندیشی و اصلاح طلبی بوده که آن حضرت (ع) مصداق عینی اصلاحات را امر به معروف و نهی

از منکر و عمل به سیره نبوی و علوی دانسته اند؛ نه آن که عامل اصلی قیام و خروج آن حضرت (ع) بیعت نکردن و یا دعوت کوفیان از آن حضرت (ع) باشد. شاعر دل سوخته اهل بیت، صابر همدانی چنین سروده است: از حسین (ع)، اکتفا به نام حسین (ع) نبود در خور مقام حسین (ع) بلکه باید، که خلق دریابند علت اصلی قیام حسین (ع)

عنایت ویژه سیدالشهداء به امر به معروف و نهی از منکر

حضرت امام حسین (ع) در طول نهضت مقدّسشان (حتی در زمان معاویه و قبل از زمان خروج علیه یزید) بارها بر این دو امر مهم (امر به معروف و نهی از منکر) تأکید فرموده اند؛ هم چون: ۱ در دوران امامتشان در جواب نامه معاویه، پس از تذکرشان نسبت به فجایع و قتل شیعیان توسط معاویه، در مورد بیعت گرفتن از مردم برای به سلطنت رسانیدن یزید شراب خوار و سگ باز و به دنبال کنیزان آوازه خوان و انواع آلات لهو، هشدار می دهند؛ ۲ قبل از خروج از مدینه در کنار قبر مطهر جدشان چنین می فرمایند: «اللَّهُمَّ إِنِّ هَذَا قَبْرُ نَبِيِّكَ - مُحَمَّدٍ وَأَنَا ابْنُ - بِنْتِ مُحَمَّدٍ وَقَدْ خَضَرَنِي مِنَ الْأَمْرِ مَا قَدْ عَلِمْتَ، اللَّهُمَّ وَإِنِّي أُحِبُّ الْمَعْرُوفَ - وَأُكْرَهُ الْمُنْكَرَ...» که در این جا تصریح آن حضرت (ع) نسبت به علت خروجشان (مبنی بر امر به معروف و نهی از منکر)، راه را بر یاوه سرایی ها می بندد؛ ۳ در منزل ذوحسم (جبل ذوجشم) خطبه ای تاریخی بیان فرمودند، که در آن آمده است: «الْأَلَا - تَرَوْنَ - إِلَى الْحَقِّ لَا يَعْمَلُ بِهِ وَالْإِلَى الْبَاطِلِ لَا يَتَنَاهَى عَنْهُ؟ لِيُرْغَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ رَبِّهِ حَقًّا حَقًّا. فَإِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ - إِلَّا شَهَادَةً (الاستیعاده) وَالْحَيَاةَ - مَعَ الظَّالِمِينَ أَلَا بَرِّمَاءً.» و شاعر اهل بیت: ابوالحسن ورزی سروده: حق و باطل چون در آویزد به جنگ

با شرف مردن به از ماندن به ننگ آن امام معصوم (ع) توجه مردم را به حق و باطل جلب می فرمایند، که اگر کسی درک نماید، بالطبع می پذیرد که با عمل نشدن به حق و بازداشته نشدن از باطل، زندگی در چنین محیطی تحمل نکردنی می گردد، و در نتیجه شخص معتقد به خدای متعال، درخواست لقاءالله را می کند. آن حضرت (ع) که دارای فطرتی پاک هستند، نظر نهایی خویش را درباره قرار گرفتن در چنین اجتماعی فاسد، بیان می فرمایند که مرگ را (که مفارقت روح از بدن و مقدمه رسیدن به لقاء پروردگار است) سعادت و نیک بختی دانسته و در جامعه ای که باید با ستم گران (روی گردان از حق و گرونده به باطل) هم نشین شد، زندگانی جز زجر و ملال نخواهد بود؛ آن حضرت (ع) در موقعیت «بیضه» برای اصحاب خود و سپاه حُر خطبه ای خواندند، که هم انگیزه ایشان را برای خروج و قیام روشن می سازد و هم اعتقاد عملی آن حضرت (ع) را نسبت به اصل امر به معروف و نهی از منکر و اعتراض به وضع نابسامان موجود را آشکار می سازد. آن مُصلح زمانه، با اشاره به روایتی از رسول الله (ص) مبنی بر این که (اگر کسی، سلطان جائر و ستم کاری را ببیند که حُرمت های الهی را حلال می شمارد و پیمان الهی را می شکند و با سنت رسول الله (ص) مخالفت می کند و درباره بندگان خداوند با دشمنی و آن گونه که روا نیست، برخورد می کند، پس (آن شخص ناظر) با رفتار و گفتار بر علیه آن ستمکار متغیر و دگرگون نگردد، بر خداوند حق است که او را در جای گاه آن سلطان جائر (در جهنم) بیافکند.) در

ادامه می فرماید: «أَلَا وَإِنَّ هَؤُلَاءَ قَدْ لَزِمُوا طَاعَةَ الشَّيْطَانِ وَتَرَكَوا طَاعَةَ الرَّحْمَنِ وَأَظْهَرُوا الْفَسَادَ وَعَطَلُوا الْحُدُودَ وَاسْتَأْثَرُوا بِالْفِئَةِ وَأَحْلَوْا حَرَامَ اللَّهِ وَحَرَمُوا حَلَالَ اللَّهِ وَأَنَا أَحَقُّ مِمَّنْ عُبِّرَ» هشدار می دهند که در زمان فعلی نیز، اینان (گروه بنی امیه و حامیانشان) از شیطان پیروی کنند و اطاعت پروردگار را ترک کرده اند و فساد و تباهی را آشکار ساخته اند و حدود الهی را وانهادند و در مورد فیه (غنائم و خراج) خودسری نموده اند و حرام الهی را حلال و روا شمرده اند و حلال الهی را تحریم کرده اند. در پایان، آن حضرت (ع) (درباره عمل به فرمایش حضرت پیامبر (ص)) برای خویش حقی فزون تر را (نسبت به دیگران) در جهت تغییر و دگرگونی «حال» (در قبال این همه حرمت شکنی و بدعت) قائل می شوند؛ زیرا هم نسبت به دیگران، در درک حقایق هشیارتر بوده و هم به جهت جانشین رسول الله (ص) وظیفه و رسالتی والاتر دارند و نسبت به دین جدشان دل سوزتر هستند؛ ۵ در خطبه روز عاشورا، درباره موعظه ناشنوی کوفیان و تحریفات و منکراتی که در کتاب الهی و دین شده، خطاب به ای می فرماید و در نهایت، از زیر بار بیعت با یزید و عبیدالله نرفتن خویش خبر می دهند که: «أَلَا إِنَّ الدَّعِيَّ بْنَ الدَّعِيِّ قَدْرَكَزَ بَيْنَ اثْنَيْنِ، بَيْنَ الْقَتْلَةِ - (السُّلَّة) وَالذُّلَّةِ، وَهَيْهَاتَ - مَا أَخَذَ الدَّيَّةَ - أَبِي اللَّهِ ذِيكَ - وَرَسُولُهُ...؛ آری! ناپاک ناپاک زاده ای (عبیدالله بن زیاد) در آن دوران مصیبت بار، با تطمیع، ترغیب و تخویف منافقان پیمان شکن، دو راه را «بر آن پیشوای معصوم (ع)» ثابت می سازد (که راه سومی وجود ندارد): (جنگیدن) و کشته شدن (و در تنگنا قرار گرفتن)، یا پستی و خواری کشیدن (و زندگی نکبت بار). و عکس العمل حضرت

ثارالله (ع) به صورت ندایی جاودانه با عملی مردانه و بی نظیر، در تاریخ به ثبت می رسد که: «هرگز! خواری و تحقیر شدن را نمی پذیرم و طبق نقلی معروف که می فرماید: هیهات منا الذله. ابی الله ذلک لنا ورسوله والمؤمنون...» ذلت و خواری از ما دور است. خداوند و رسولش (ص) و مؤمنان، این (ذلت و خواری) را برای ما نمی پسندند؛ از آستان همت ما ذلت است دور و ندر کنام غیرت ما نیستش و رودسپس اعلام می کنند که با همان عده کم اهل بیت و قبیله شان و با وجود فراوانی دشمن و ترک گفتن یاور، به سوی جهاد خواهند رفت. شاعر اهل بیت محمد حسین بهجتی (شفق) چه زیبا سروده است که: جاودان بینمت استاده به پیکار، دلیر لاری الموت تو را وژد زبان است هنوزباغ خشکیده دین را تو ز خون دادی آب نه عجب گر که شکوفا و جوان است هنوزاگر کسی این اعتقاد پاک و اراده بی نظیر را باور نماید، هر چند کافر یا مشرک باشد، به نتیجه (حدّ اقل دنیایی) آن خواهد رسید. همان گونه که مهاتما گاندی، روش مبارزه را از حضرت اباعبدالله الحسین (ع) فرا گرفته و پیروزی بر استعمار انگلیس را وام دار آن حضرت (ع) است. در نهایت، سیره عملی آن حضرت (ع) (علاوه بر اعتقاد راسخ ایشان)، حاکی از ارج نهادن به این اصل بوده و در جهت پیش برد اهداف اصلاح طلبانه، از آن استفاده نموده اند. امتناع از بیعت با یزید پس از مرگ معاویه، و در موقع احضارشان به نزد ولید بن عتبه (والی مدینه) که می فرمایند: «یزید رجل فاسق» شارب الخمر قاتل النفس المحرّمه مغلن بالفسق. و مثلی لایبایع لمثله». عزت نفس

حسینی را بیان می کند: از این بیعت که دشمن خواست، اولاد پیمبر را همان خوش تر، که بنهادند گردن، تیغ و خنجر را

ملک الشعراء صبوری

و بارها آن مولا (ع) در مسیر مدینه تا مکه و به ویژه از مکه معظمه به طرف کوفه (و کربلا)، عملاً موضع قاطع خویش را ابراز فرموده اند (هم چون گفتگوی ایشان با محمد بن حنفیه، ابن عباس، ابن زبیر، ابن عمر، بنی هاشم، اهل کوفه و بصره و افراد بین راه).

علت تأکید امام حسین علیه السلام بر امر به معروف و نهی از منکر

حضرت سیدالشهدا (ع)، در خطبه ای که معروف است در «منی» قبل از مرگ معاویه، ایراد فرموده اند، در تفسیر قول خداوند متعال که می فرماید: (الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ). چنین می فرمایند: «بَدَأَ اللَّهُ بِالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَرِيضَةٌ مِنْهُ لِعَلِّمَهُ بِأَنَّهَا إِذَا أُدِّيَتْ وَأُقِيمَتْ إِسْتَقَامَتِ الْفَرَائِضُ كُلُّهَا هَيَّئِهَا وَصَعَّبَهَا وَذَلِكُ أَنْ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ دُعَاءٌ إِلَى الْأَسْلَامِ مَعَ رَدِّ الْمَظَالِمِ وَمُخَالَفَةِ الظَّالِمِ وَقِسْمَهُ الْفِيي وَالْغَنَائِمِ وَأَخْذِ الصَّدَقَاتِ مِنْ مَوَاضِعِهَا وَوَضْعِهَا فِي حَقِّهَا؛... با انجام شدن و بر پا گشتن این فریضه، تمامی فرائض (چه آسان و چه دشوار) بر پا می گردند، بدان علت که امر به معروف و نهی از منکر ندای به سوی اسلام است. با بازگرداندن آنچه به ستم گرفته شده و ستیز با ستم گر و قسمت و پخش کردن بیت المال و غنیمت های به دست آمده (و بهره و نصیب افراد مسلمان را به آنان دادن) و گرفتن صدقات (واجبه) از محل های تعیین شده اش و به کار گرفتن و نهادن آن در محل های سزاوارش». با این بیان گویا و عالی، جای حرفی برای غیر نمی ماند، تا بتواند بدون این فریضه الهی و عمل به آن، در پی تحقق جامعه ای صالح و شایسته باشد، و بی رو در رویی و مقابله، اصلاحات اجتماعی پدید آورند تا تمامی افراد جامعه بدان

پای بند شوند و با آزادی کامل پذیرای آن گردند.

لزوم روش مداری برای رسیدن به اصلاحات واقعی

همان طور که مدعی اصلاح، خود باید صالح باشد تا بتواند مُصلِح گردد، یک مدعی اصلاح باید به سیره و روش مطمئنی که به اراده و خواست الهی و اطاعت حق تعالی است، تمسک جوید. لذا آن صالح مُصلِح، یعنی حضرت اباعبدالله الحسین (ع) به سیره و روش نبوی و علوی تمسک فرموده اند که همانا صراط مستقیم الهی همین است و در حقیقت پیروی از آنان پیروی از خدای متعال است که خداوند متعال می فرماید: (يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ - وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ) و طبق روایات، به طور یقین مصداق واقعی اولی الامر، دوازده امام معصوم: هستند. آری! روش مداری است که می تواند انسان را در پیش برد اهدافش ثابت قدم سازد. و اگر این سیره و روش برگرفته از الگوهای الهی باشد، آدمی در صلاح و سداد پیش خواهد رفت و بر این محور صیلاح، اصلاحات هم انجام خواهد پذیرفت. که خدای متعال می فرماید: (لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...)

رفع شبهه

چرا با وجود آن که طبق روایات، ائمه اطهار (ع) همگی اولی الامر و واجب الاطاعه هستند، حضرت امام حسین (ع) به عمل به سیره نبوی و علوی اشاره می فرمایند؟ و مگر خود ایشان واجب الاطاعه و دارای سیره و روش الهی نیستند؟ جواب هایی می توان داد، من جمله: الف) همان گونه که از فرمایش بزرگانی، هم چون علامه شهید مرتضی مطهری پیداست، پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) با منحرف شدن مردم از خط اطاعت از ولایت و عیثیت یافتن و تقدس عمل به سیره شیخین و مقاومت امیرمؤمنان (ع) نسبت به این سیره غلط در زمان خلافت ظاهری شان و دوباره کم رنگ شدن پیروی از

ولایت و امامت پس از شهادت مولای متقیان (ع)، به ویژه پس از خانه نشین شدن حضرت امام حسن مجتبی (ع)، در دوران امامت امام حسین (ع)، با روی کار آمدن یزید و احساس خطر نمودن نسبت به فراموش شدن سیره نبوی (ص) و هم چنین با فراموشی سیره علوی و حتی ترور شخصیت والای امیرمؤمنان (ع) (که در زمان سلطنت معاویه بر منبرها آن حضرت را لعن می کردند)، حضرت اباعبدالله الحسین (ع) بر سیره مداری و عمل به سیره و سنت پیامبر گرامی اسلام و وصی ایشان تأکید فرمودند، تا در کنار نبوت و سنت نبوی، امامت و سیره علوی (ع) تثبیت گشته، حتی به صورت سندی افتخارآمیز برای تمامی نسل ها در تمام اعصار ماندگار بماند. ب با توجه به خطبه ها و فرمایش های حضرت امام حسین (ع) در طول نهضت و قیام مقدسشان، آن حضرت (ع) دل ها را متوجه محوریت امامت خویش و مقتدا بودنشان فرمودند و با بیان این که ایشان از اهل بیت نبوت و رسالتند، عملاً فهماندند که هر مدعی دیگری از مسیر اسلام و سیره پیامبر (ص) منحرف است. و فقط اهل بیت عصمت و طهارتند که می توانند هادی و پیشوای امت اسلامی باشند و راه صلاح را از فساد تشخیص داده، بر اساس آن انجام وظیفه فرموده و امت اسلامی بلکه تمامی ملت ها را نجات بخشند. رو کسب فیض و فخر کن از مکتب حسین (ع) کان مکتبت به دولت جاوید رهبر است (ج) سیره حضرت امام حسین (ع) جدا از سیره حضرت رسول اکرم (ص) و حضرت امیرمؤمنان (ع) نیست، لذا عمل به سیره نبوی و علوی (ع) همان عمل به سیره امام حسین (ع) است؛ هم چنان که اطاعت

و پیروی از ائمه اطهار (ع)، همان اطاعت از حضرت ختمی مرتبت (ص) بوده و پیروی و اطاعت از رسول الله (ص) هم جدای از اطاعت پروردگار متعال نیست.

شواهدی از بیان های والای سیدالشهداء پیرامون اصلاحات اجتماعی

حضرت اباعبدالله الحسین (ع) در طول نهضت مقدسشان (و حتی قبل از خروج و قیامشان) در پی اصلاح امور امت اسلامی بوده اند، و این هدف مقدس را بارها ابراز فرموده اند که از آن جمله است: ۱ یکی دو سال قبل از مرگ معاویه، در ایام حج با جمع نمودن حجاج در سرزمین منا (که در آن میان حدود دویست نفر از صحابه رسول الله (ص) حضور داشتند)، آن حضرت (ع) پس از تذکر نسبت به طغیان گری معاویه، و برای جلوگیری از به سلطنت رسیدن یزید، در خطبه ای از حاضران تقاضای دعوت از غایبانِ مورد اطمینان را کردند و در مورد علت چنین مسئله ای می فرماید: «فَادْعُوهُمْ إِلَى مَا تَعْلَمُونَ مِنْ حَقِّنَا، فَإِنِّي أَتَخَوَّفُ أَنْ يَدْزُرَ هَذَا الْأَمْرَ وَيَذْهَبَ الْحَقُّ وَيَغْلِبَ وَاللَّهِ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»، آنان را به آنچه از حق ما می دانید، بخوانید. پس به درستی که من می ترسم این امر مندرس و محو گشته و حق مغلوب شده از بین برود.» طبق این روایت ها آن حضرت (ع) آنچه از قرآن در مورد اهل بیت (ع) نازل شده و آنچه از رسول الله (ص) درباره (فضائل) پدر، مادر و برادرشان و در مورد خودشان و اهل بیتشان آمده، بیان فرموده و صحابه با کلمه «اللهم نعم» تصدیق می نمودند و تابعین نیز چنین تصدیق می نمودند: «اللهم قد حدثني به من صدقه وأتمنه من الصحابه؛ خدایا، از صحابه کسی که او را تصدیق کرده و امین می شمارم، آن را برایم روایت نمود.» خطبه حضرت

اباعبدالله الحسين (ع) در «منا» (که به گونه های مختلفی نقل شده) نکته هایی مهم را در بردارد: الف) آن حضرت (ع) پیشوایان و مصلحان واقعی را در معرض تأیید صحابه (که مورد اطمینان مردمند) قرار می دهند، و همگان به طور آشکارا به عظمت، عصمت و صلاحیت اهل بیت (ع) و فضیلتشان نسبت به دیگران اذعان نموده و آن را مورد تأیید خدای متعال و رسول گرامش می بینند، و لذا به طور ضمنی صلاحیت هدایت مردم و اصلاح امورشان توسط اهل بیت اثبات می گردد. ب) راه به روی دسیسه های معاویه و اذنازش برای وجهه شرعی و الهی دادن به خود و کارهای پلیدشان بسته شده و مکرشان برای به زیر سلطه کشاندن مردم بر ملاگشته و راهشان برای سلطنتی کردن خلافت بر مسلمین دشوار و ناهموار می گردد. ج) آن حضرت (ع) نسبت به عواقب شوم سکوت مرگ بار در برابر ظلم و فساد دستگاه بنی امیه هشدار داده و با آنان اتمام حجت می فرماید. از همه مهم تر آن که، آن امام معصوم (ع) با دید وسیع و افق فکری والایشان، برای مقابله با آن دسیسه های شوم موجود در جامعه اسلامی آن روز، ذهن ها را نسبت به حقایق روشن ساخته و حتی نسبت به غایبان منصف باایمان و مطمئن نیز احساس مسئولیت فرموده، خواستار شدند که این حقایق مهم بدانان برسد، تا حق از بین نرود. و ذهن مؤمنان در مسیر حق و حرکت به دنبال امام بر حق زمان خویش، دچار تزلزل و تشویش نگردد. همه این ها نیز در مسیر اندیشه اصلاحات راستین الهی است، هم چنان که آن حضرت (ع) در آخر خطبه ای که به ایشان استناد داده شده (و در منا ایراد

گشته)، خداوند را شاهد و گواه می گیرند که: برای نشان دادن آثار و نشانه های دین الهی و به ظهور رساندن اصلاح در سرزمین های خداوندی و ایمن گشتن بندگان مظلوم خداوند و برای عمل شدن به فرائض (و واجبات) و سنت ها (و مستحبات) و احکام الهی، چنین اقدام «واتمام حجتی» را انجام داده اند. ۲) حضرت امام حسین (ع) در منزل بطن الرمه، در پاسخ به سؤال عبدالله بن مطیع، مبنی بر علت خروج آن حضرت (ع)، از مدینه منوره به مکه معظمه، می فرمایند: «إِنَّ أَهْلَ الْكُوفَةِ كَتَبُوا إِلَيَّ يَسْأَلُونَنِي أَنْ أَقْدِمَ عَلَيْهِمْ لِمَا رَجُوا مِنْ أَحْيَاءِ مَعَالِمِ الْحَقِّ - وَإِمَاتَةِ الْبِدْعِ». که معلوم می گردد پس «از خروجشان از مدینه» حتی علت این که آن حضرت دعوت اهل کوفه را پذیرفتند، به جهت تمایل اهل کوفه به زنده ساختن آثار حق و میراندن و «از بین بردن» بدعت ها و «خلافت دین» بوده است.

تذکر مهم

گمان برخی بر این است که یکی از عوامل خروج و قیام حضرت اباعبدالله الحسین (ع) صرف دعوت اهل کوفه از ایشان برای رسیدن به خلافت است، و حتی برخی می خواهند امتناع حضرت امام حسین (ع) را از بیعت با یزید، به جهت دعوت کوفیان و اجابت آن حضرت (ع) به دعوت آنان بدانند. علامه شهید مرتضی مطهری (ره) این نظریه های واهی را با استدلال هایی منطقی و با توجه به تقدم تاریخ عدم بیعت آن حضرت (ع) نسبت به تاریخ دعوت کوفیان مردود دانسته و عنصر اصلی قیام حضرت را عامل امر به معروف و نهی از منکر و تکیه بر روش و سیره نبوی و علوی می دانند. (که طبق فرمایش آن مولا، در جهت تحقق امر اصلاح امت جدشان است). ۳

در منزل ذوحسم (ذوحُشم)، (پس از اقامه نماز ظهر و اقتدای اصحابشان با سپاهیان حَرّ، به آن حضرت (ع))، آن حضرت (ع) به جهت و انگیزه اهل کوفه در «پیامشان به آن حضرت» اشاره می فرمایند: «...فَأَنَّهُ لَيْسَ لَنَا إِمَامٌ لَعَلَّ اللَّهَ أَنْ يَجْمَعَنَا بِكَ عَلَى الْهَيْدَى وَالْحَقِّ» (که امامت و پیشوایی آن حضرت (ع) را برای اجتماع و گرد آمدن پیرامون هدایت و حق خواسته اند). ۴ در همین منزل ذوحسم ضمن اشاره به روی داد امور مشهود، گوش زد می فرمایند که دنیا تغییر یافته و دگرگون شده، منکرات (فساد و تباهی) رخ داده و معروف و نیکی ها پشت پا افتاده و این امر استمرار یافته است... این خطبه در حالی ایراد می گردد که علاوه بر اصحابشان، لشکر حَرّ نیز حضور دارند، که در حقیقت مخاطبان اصلی اند. علاوه بر این موارد، آن حضرت (ع) در طول مسیر (به ویژه از مکه معظمه تا کربلا)، در جهت ارشاد و اصلاح اشخاص (که جزئی از جامعه هستند)، از هیچ کوششی، حتی رفتن به نزد افراد دریغ نفرمودند؛ مانند فرمایش آن حضرت (ع) با عبدالله بن زبیر، عبدالله بن عمر، عمرو بن سعید بن العاص و برادرش یحیی بن سعید، (که بر آن حضرت معترض بودند) و نیز گفتگو با فرزدق و بشر بن غالب و همین طور به حضور طلبیدن زهیر بن قین (که به واسطه ارشاد آن حضرت (ع)، توفیق هدایت الهی را یافت) و نیز با امتناع ورزیدن عبیدالله بن الحر الجعفی از رفتن به خدمت آن مولا (ع)، آن حضرت (ع) خود به نزدش رفتند (ولی تن به اطاعت نداده و تا آخر عمر پشیمان بود) و در نهایت به هنگام ارشاد لشکر دشمن، حَرّ

بن یزید (و به نقلی چند نفر دیگر) به جمع اولیاء الله پیوستند.

ریشه دار بودن اصلاح طلبی حضرت امام حسین علیه السلام

اهمیت و ارزش اصلاحات اجتماعی در نهضت حضرت اباعبدالله الحسین (ع) از آن جا بیشتر تبلور می یابد که علاوه بر تأیید الهی و ارزش نهادن خدای متعال به اصلاح و عمل مصلحان، حضرت امیرمؤمنان (ع) در حساس ترین و بزرگ ترین لحظه های زندگی ارزش مندشان و در دردناک ترین لحظه های حیاتشان (پس از ضربت خوردن)، رابه فرزندان خود (حسین (ع))، و سپس علاوه بر این دو بزرگوار به تمامی فرزندان و خاندان خویش و هر کسی که این نوشته هایشان به او می رسد، مهم ترین وصیت ها را می فرمایند. که در آن پس از وصیت به تقوای الهی و نظم در کارشان، به «اصلاح ذات البین» سفارش می فرمایند. و از قول جدّ (فرزندانشان) (ص) نقل می فرمایند که آن حضرت (ص) فرموده اند: «اصلاح ذات البین افضل من عامه الصلاه و الصیام؛ اصلاح ذات البین از کلیه نماز و روزه برتر است.» در قرآن کریم به اصلاح ذات البین اشاره شده و در کنار تقوای الهی و اطاعت از خداوند و رسولش (ص) بدان امر شده است:....(فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ). علامه طباطبایی (ره) در معنا و تفسیر اصلاح ذات البین، چنین بیان فرموده است: فقیل: «ذات البین أى الحاله والرابطه السيئه التى هی صاحبه البین. فالمراد بقوله تعالى: (أصلحوا ذات بینکم)، أى أصلحوا الحاله الفاسده والرابطه السيئه التى بینکم؛ معنای ذات البین این است که حالت یا رابطه بدی که همراه دو طرف گشته، پس مراد الهی چنین است که: حالت فاسد و رابطه بدی که میان شماست، اصلاح نمایید، بنابراین: اولاً: امر الهی (در کنار تقوای الهی) بر اصلاح میان امت تعلق گرفته

است؛ ثانیاً: با توجه به وصیت و سفارش حضرت امیر مؤمنان (ع) نسبت به امر تقوا و اصلاح بین مردم، هم توجه ویژه آن حضرت (ع) به این امر الهی معلوم می گردد و هم اهمیت ویژه امر اصلاح امت (به واسطه سفارش آن حضرت (ع) در آن اوضاع حساس) ظاهر می شود. ثالثاً: حضرت سیدالشهدا (ع) درباره امر الهی و به جهت این که مخاطب خاص حضرت امیر مؤمنان (ع) بودند، در قبال وصیت امام زمانشان، مسئولیت اجرای آن را (به ویژه به عنوان خلیفه و جانشین پدر و برادر بزرگوارشان) بر عهده داشته، در زمان مقتضی و با اوضاع حساس زمانشان، عمل به امر اصلاح را به کار بسته و برای آن قیام فرموده و دیگران را نیز به اطاعت از حضرتشان در امر اصلاح جامعه مسلمین فرا خواندند. در قبال تعهد و احساس مسئولیت نسبت به این مسئله حتی از ایثار جان خویش و خاندان و اصحابشان دریغ نفرمودند و حتی با آگاهی نسبت به اسیر شدن نوامیسشان، باز هم چشم پوشی از اصلاح امت جدشان را روا ندانستند و مرگ را بر زندگی در جامعه ای که ظالمان و ستم گران «مفسد و تبه کار» زیست می کنند، ترجیح دادند. شاعر انقلابی، حسین پیرمان «بختیاری» چه زیبا حماسه و عزت حسینی را ترسیم نموده است: او کشته نیست، زنده اعصار و قرن هاست کس نام نیک، تا به ابد زیب دفتر است خواری و سرشکستگی آرد قبول ظلم او تا جهان به جاست، عزیز است و سرور است آن آهنین جگر که ز تصویر تیغ او تب لرزه مر سپاه عدو را، به پیکر است مظلوم نیست، خانه برانداز ظالم است لب تشنه نیست ساقی نسیم و کوثر است و در

آخر به ما چنین سفارش می کند: دین دار باش و عدل گزین باش و مرد باش کاین مکتب گزیده سبط پیمبر است ۱ در امر اصلاحات توجه به شایستگی و صالح بودن افراد، شرط اساسی برای تحقق این امر است و گرنه به واسطه مدعیان کاذب، وقایعی تلخ و گاه جبران ناپذیر (و به نام اصلاحات) رُخ می دهد. ۲ با توجه به معنای صلاح، باید به دور از شائبه قوم گرایی و تعصب های غیر واقعی و جاهلانه، فقط به حقیقت امور نظر نموده و آنچه را که شرع و صلاح می داند، اصلاح واقعی بدانیم. لذا مصلح واقعی هم با میزان شرع مشخص می گردد، نه با دید عُرف و حتی عقل بریده از شریعت و مغلوب شهوات و هواهای نفسانی. ۳ همان گونه که گذشت، با توجه به اهمیت و ضرورت اصلاحات اجتماعی، مصلحان واقعی در جامعه اسلامی باید با تمام توان بدین امر اهتمام ورزند (هم چنان که حضرت سیدالشهدا (ع) بدان نظر ویژه داشتند). ۴ در اصلاح طلبی، بدون توجه به امر به معروف و نهی از منکر، راه به جایی نبرده و اصلاح واقعی و مورد نظر شرع در جامعه صورت نمی پذیرد. ۵ جامعه ای که افراد آن به فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر توجهی ندارند و تکلیف خود نمی دانند و حتی تغییر حالی نمی دهند، نمی توانند مدعی پیروی از مرام و مکتب حسینی باشند؛ زیرا، آن حضرت شهادت می دهند: «أبی احب - المعروف و أکره المنکر». و از ترک معروف و عمل به منکر هشدار می دهند. ۶ زندگی در جامعه ای که حق متروک و باطل معمول است و در حقیقت صلاح امور تبدیل به فساد گشته، مورد پسند و تحمل شدنی برای شخص مؤمن به خدا نیست،

و طلب لقاء الهی (و مرگ) را می نماید. (نه آن که بی تفاوت بوده و حتی با آنان همنشین گشته و معاشرت مسالمت آمیز داشته باشد.) ۷ در جامعه ای که حدود الهی شکسته می شود و فساد ظاهر می گردد و مفسدان برای اهداف شوم خویش از انسان بهره برداری سوء می کنند، هیچ گونه هم کاری با آنان جایز نیست. و اگر به تأیید آن تبه کاران ستم گر منجر شود، باید تا سر حدّ شهادت، از زیر بار آنان رفتن سر بر تافت. ۸. یادمان نرود که فقط با امر به معروف و نهی از منکر است که دیگر فرائض و واجبات الهی برپا می ماند. ۹. به واسطه امر به معروف و نهی از منکر، که ندائی به سوی اسلام است، اصلاحات واقعی انجام می شود. ۱۰. سرنوشت یک جامعه بستگی به سیره مداری حکم رانان آن جامعه دارد. اگر سیره ای مورد قبول خداوند در پیش گرفته شود، اصلاح در جامعه هویدا و برقرار می گردد. و سعادت دنیا و آخرت انسان ها تأمین می شود، و گرنه با تقلید از سیره سردمداران کفر و ستم و زر و زور، جز از طریق خود آنان نمی توان راه به جایی برد. آن هم نیست مگر با پشت کردن به ارزش های الهی و دینی (چنانکه در جامعه به اصطلاح متمدن غربی و اروپایی امروز شاهد آن هستیم) که با هر دسیسه و نیرنگی (با نام سیاست) برای رسیدن به اهداف خویش و با تن دادن به هر ذلت و خواری، به اصلاحات اهریمنی می رسند، در حالی که این رسیدن به فساد و تباهی و انجام تبهکاری است نه اصلاحات. (همان گونه که فرمایش الهی در این باره گذشت.) ۱۱. مبلغان جامعه اسلامی، در هر زمان و مکانی

و در اوضاع مناسب، باید مردم را متوجه ضرورت امر اصلاحات اجتماعی (و به دست مُصلحان واقعی) بنمایند. ۱۲ همان طور که امر اصلاح امور مسلمین مورد نظر و امر الهی و پیامبر اسلام و ائمه اطهار (ع) است، در زمان غیبت کبری نیز مورد نظر نایبان عام - حضرت ولی الله الاعظم بوده و در نظام مقدس جمهوری اسلامی نیز مورد نظر ولی فقیه هر زمان بوده و هست. ما نیز باید همان اهمیتی که در شرع مقدس برای امر اصلاح امور مسلمین لحاظ شده است، قائل باشیم، که کوتاهی در این امر علاوه بر گناه نابخشودنی بودن، تبعات و عواقب شومی در پی خواهد داشت. به ویژه آن که در زمینه سپردن اصلاح امور مسلمین به دست صالحان همت گماشته و مردم را بدان دعوت کنیم؛ همان گونه که رهبر کبیر انقلاب اسلامی و هم چنین رهبر معظم انقلاب اسلامی در انتخاب افراد صالح (بلکه اصلح) هم به نخبگان جامعه و هم به عموم مردم، تأکید فرموده اند.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

